

## «میراثی گران بر دوش‌هایی ناتوان»

یادی از استاد گرانقدر روستاشناس و روستایی‌شناس فقید، زنده‌یاد دکتر سیدحسن حسینی ابری

درگذشت نابهنگام استاد فرزانه جغرافیا و روستاشناس برجسته کشور دکتر سیدحسن حسینی ابری در خردادماه‌ی که گذشت اندوهی سنگین و ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای اساتید، دانشجویان و همگی روستاپژوهان کشورمان بود. جایگاه دکتر حسینی ابری در روستاشناسی عملی و منش و روش ایشان در روستاپژوهی، وجه ممیزه‌ای به وی بخشیده بود که چهره علمی‌اش را برای تمامی کسانی که محضر درس و کلاس‌اش را درک کرده‌اند، درست مانند خلق‌وخو و سیرت و سیمای وی برای آنانی که از نزدیک با ایشان معاشرت و آشنایی داشته‌اند، برای همیشه مأنوس و ماندگار کرده است. جایگاهی که اگر آنرا برای شاگردان و همکاران نسل‌های بعدی ایشان دست‌نیافتنی تلقی کنیم، چه‌بسا که قضاوت بیراهی نباشد. همین امر است که باعث شده تا همان قدر که گام نهادن و ادامه راهی که ایشان در عرصه مطالعات روستایی پیمود را دشوار می‌نماید، پاس‌داشت این میراث ارزنده علمی و تلاش علمی برای زنده نگه‌داشتن راه و رویکرد عملی و از نزدیک روستاشناسی و روستاپژوهی از سوی نسل بعدی همکاران و شاگردان آن بزرگوار زنده‌یاد و آشنا ساختن دانشجویان با سیره عملی پژوهش‌ها و مطالعات روستایی را نیز بعنوان وظیفه‌ای خطیر و سنگین بر دوش آنان نهاده است. کمتر پژوهنده‌ای همچون زنده‌یاد دکتر حسینی سرشار از حس تعلق به جغرافیا به وادی مطالعات جغرافیایی و بویژه جغرافیای روستایی عاشقانه گام نهاده است. چنانکه در بعد محیطی، برای شناخت اکوسیستم حوضه زاینده‌رود، فرسنگ‌ها از سرچشمه تا پایاب آنرا چندین بار با پای پیاده قدم زد تا آمیزه و تلفیق دانسته‌های علمی خود را با درک و دریافتی عینی (که در نظرگاه او هیچ دانشی بی‌آمیختن با محک تجربه و فهم رودررو و بی‌فاصله چگونگی‌ها، جغرافیایی نمی‌توانست باشد) در کتابی قلم زند و برای اولین بار میراث گرانبهای طومار شیخ بهایی و دانش و هوش‌مندی ارزشمند پیشینیان‌مان را در تقسیم آب زاینده‌رود برای ما شرح نماید. و در بعد انسانی نیز طی بیش از ۱۵ سال پژوهش و حضور در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای طرح‌های توسعه روستایی در فقیرترین و محروم‌ترین روستاها و زیستگاه‌های کشور تا قلب بشاگرد محروم در آن‌سوی کوه‌های برهنه و جاده‌های خاکی و صعب‌العبور میناب، خستگی‌ناپذیر در آمدوشد و همکاری مداوم باشد تا حاصل جدوجهدهای بلیغ چندین ساله‌اش را در کتاب‌هایی به رشته تحریر درآورد. تعلق خاطر و عشق و علاقه وافرش به جغرافیا و روستا و چندین دهه کار مداوم و تلاش خستگی‌ناپذیر و بی‌وقفه در عرصه روستاپژوهی و روستاشناسی عملی و درک بی‌واسطه و آخت شدن با رسوم و آداب روستایی و فهم عمیق جهان‌بینی، نگرش‌ها، عادات و رفتارهای مردمان روستایی و قانون‌مندی‌های حاکم بر آن، از دوردست‌های محروم و فقرزده بشاگرد تا کویرهای سوخته یزد و مناطق کوهستانی زاگرس (تهیه طرح‌های آبخیزداری و طرح‌های هادی برای حدود ۷۰ روستا در استان‌های یزد و اصفهان و چهارمحال و بختیاری)، که خود «دانش بومی»‌اش می‌نامید و سخت دوستش می‌داشت و بدان باور داشت، در کنار نکته‌سنجی‌ها و ژرف‌بینی‌های نغز گنجینه‌ای از امثال و حکم آموزنده و گرانبهایی که در ذهن خود داشت و خلاقانه بکار می‌گرفت، علاوه بر آنکه کلام و بیانش را حلاوتی دوست‌داشتنی بخشیده بود، درک و شناخت وی را از هر محیط روستایی و الزامات و اقتضائات خاص آن نیز صیقل و صحتی چنان داده بود که خود آنرا حلول روح جغرافیا در خود تعبیر می‌کرد و این حقیر، به‌انصاف بزرگوار دیگری را تا به پایه او در چنین ادعایی محق نمی‌شناسم. باری، به زعم اینجانب دو علت در کار است که از سویی دکتر حسینی را تا مرتبه خاص خودش در روستاشناسی و روستاپژوهی عملی توفیق بخشید و از سویی نیز توفیق نسل ما را در این زمینه دشوار می‌سازد. مرحوم دکتر حسینی از ویژگی‌ها و شرایط فردی و

همچنین شرایط محیطی موافق و مساعدی در زمانه خود برخوردار بود. زاده روستا بود و زوایای روحش آشنا با فرهنگ و خلق و خوهای مردمان روستایی، که طی قرن‌ها زیستن با فقر محیط و ستم‌ها و نابسامانی‌های گزنده اجتماعی در پویه تاریخ این سرزمین، نفوذ به لایه‌های پنهان و درک مکانیزم‌های آن برای هر محققی چندان میسر نیست. این ویژگی‌ها به‌همراه شرایط مهیای آن زمان برای همکاری در طرح‌های توسعه روستایی و اجرای آنها در بشاگرد باعث شده بود تا پای ایشان به روستا و توان برقراری ارتباط موفق و دوسویه با جوامع روستایی برای ایشان باز باشد. توان و امکانی که برای نسل ما چندان فراهم نیست، نه به‌لحاظ شرایط اجتماعی، نه به اقتضای زمانه و نه در بسیاری موارد ویژگی‌های فردی. نسل کنونی ما فرزندان عصری هستیم که زمان قابل ملاحظه‌ای از هر نوع کار مطالعاتی و فعالیت علمی و بخش قابل توجهی از توان و استعداد هر پژوهشگری، به‌ناگزیر در فضاهای مجازی صرف می‌شود و فراگیری اطلاعات - در این عصر و زمانه‌ای که به همین عنوان نامیده شده است - تا به اندازه‌ای است که هر محققی را برای کسب اطلاعات، حتی در حیطه علمی مانند روستاپژوهی، تا حد زیادی از مشاهده‌گری و مطالعه مستقیم و میدانی به بانک‌های مجازی اطلاعات و پشت کامپیوتر می‌کشاند. امری که در جای خود بسی ارزشمند و بسیار ضروری و نیکوست. اما هر چیزی که برای یک محقق جغرافیا بویژه در حیطه مطالعات روستایی جا را بر مشاهده و شناخت بی‌واسطه و میدانی محیط و جامعه روستایی تنگ نماید، همانگونه که استاد فرزانه و فقید جغرافیای روستایی، دکتر حسینی به‌حق معتقد بود و همواره آن را گوشزد شاگردان خود می‌نمود، آفتی برای روستاشناسی و مطالعات روستایی و انحرافی برای علوم جغرافیای روستایی، برنامه‌ریزی روستایی و توسعه روستایی بشمار می‌رود. شاید به همین دلیل و درک ضرورتی این چنین در این زمان بود و با کوله‌بار بی‌نظیر و ارزنده‌ای از تجارب سالیان دراز و پربار تحقیق در پهنه‌های روستایی و تدریس در مقاطع مختلف دانشگاهی بود که آن بزرگوار در بازنگری دروس و سرفصل‌های دوره دکتری برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، درسی را با نام «روستاشناسی عملی» در نظر گرفت و سرفصلی نیز برای آن تعریف نمود. دریغ که پیش از آن که این برنامه نهایی شود و بهره‌ای از دانش و تجربه منحصر بفرد و گران‌قدر آن عزیز نصیب‌مان گردد، ناباورانه او را از دست دادیم. و چه تلخ است که فقط می‌توانیم افسوس بخوریم که دکتر حسینی، به آن معنا که ضرورت و نیاز روستاپژوهی و هر پژوهشگر روستایی است و با آن مجموعه بی‌نظیر ویژگی‌های فردی و تجربه‌های علمی و عملی که داشت، کسی بود که می‌توانست پای ما را نیز به محیط روستا و به دایره پذیرش و قبول مردمان روستایی باز کند، اما این کام را از خود دریغ داشتیم و این فرصت یگانه و چه‌بسا دیگر تکرارناشدنی را چه آسان از دست دادیم و تا فرصتی بود و می‌توانستیم، آنچه را می‌بایست نکردیم!

«... به پایان رسیدیم اما / نکردیم آغاز / فرو ریخت پردها / نکردیم پرواز...»

تعبیر بلند و لطیفی، مرگ را پیغامی برای زندگان می‌داند و کوچ گزنده دکتر حسینی برای ما شاگردان و نسل پس از وی که علاوه بر بهره اندک از آنچه او داشت، مشکلات و ناموافقی‌های این دوران را نیز داریم، پیغام رسالتی برای زنده نگهداشتن منش و روش علمی او و پیمودن راهش را تا اندازه‌ای که در توان داریم با خود دارد، چرا که مسلماً این وظیفه خطیر بر دوش بعدی‌های ما سنگینی بیشتری دارد. یادش گرامی، روحش شاد و قرین آرامش و سعادت ابدی.

دکتر عباس امینی فسخودی

گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان

تیرماه ۱۳۸۹